

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

# دانش مستدام

سال اول، شماره هشتم، اردیبهشت ۱۳۹۸



اعلیٰ مقامات  
ناصح المهدی



تو که باشی بهشت با من است

السلامة

# دانش سلامت

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰  
سال اول، شماره هشتم، اردیبهشت ۹۸

مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان است.  
نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه

سردبیر: دکتر اکرم حیدری

امور اجرایی: محمد سالم

ویراستاری، طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما،  
آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

hrj@muq.ac.ir

۰۲۵۳۲۴۰۰۵۴۶

### سخن آغازین

زندگی نامه نقه الاسلام محمدبن یعقوب کلینی رحمته الله علیه..... ۳

### سلامت در قرآن

آدمی باید در غذایش به دقت بنگرد..... ۵  
علی اکبر حق ویسی، ابوالفضل محمد کریمی

### سلامت در احادیث

واژه سلامت در احادیث و ادعیه..... ۷  
مرتضی حیدری

### فقه سلامت

هیپنوتیزم درمانی در آینه فقه..... ۸  
محمد مهری لبقوان

### اخلاق سلامت

تزاحم منافع، ترجیح کدام؟!..... ۱۰  
دکتر محسن رضایی آدریانی

تحلیل اخلاقی موارد..... ۱۱  
دکتر محسن رضایی آدریانی

### فلسفه سلامت

پارادایم‌های علم..... ۱۲  
صادق یوسفی

### معرفه کتاب

کشف المَحَجَّه یا فانوس..... ۱۳

### زلزل سلامت

کیش دلدارها..... ۱۴

## زندگی‌نامه ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی

به مناسبت ۱۹ اردیبهشت،  
بزرگداشت شیخ کلینی



اتفاق نظر دارند (۱۲). عظمت و بزرگی کلینی در میان اهل تسنن نیز به قدری است که ابن اثیر، او را در قرنی که کلینی در آن می‌زیسته، به عنوان مشهورترین، و تأثیرگذارترین شخصیت شیعی معرفی می‌کند (۱۳).

## مشایخ و تألیفات کلینی

کلینی از مُحدَثان بزرگ شیعه می‌باشد و مشایخ او نیز اهمیت بسزایی دارند که البته بررسی همه آنها مجال دیگری می‌طلبد. اما به صورت کلی می‌توان گفت که او بیشتر روایات خود را از علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، و محمد بن یحیی عطار اشعری نقل می‌کرد. همچنین از برجسته‌های مشایخ او می‌توان از ابوالعباس محمد بن جعفر رزّاز، ابوعلی أحمد بن ادریس اشعری، حمید بن زیاد، و ابوسلیمان داود بن کوره قمی، أحمد بن محمد عاصمی، حسین بن محمد اشعری، نام برد (۱۴). پیرامون تألیفات او نیز باید گفت؛ بنابر آنچه نقل شده او شش کتاب نوشته است:

۱. الکافی ۲. تفسیر الرؤیا ۳. الرد علی القرامطة ۴. رسائل الائمة ۵. کتاب الرجال ۶. ما قیل فی الائمة من الشعر.

عموم این کتاب‌ها، از بین رفته‌اند و امروزه تنها از طریق نامی که از آنها در کتاب‌های دیگر وجود دارد، وجودشان به دست می‌آید. با این حال معروف‌ترین و مهم‌ترین کتابی که کلینی نوشته است، کتاب «کافی» می‌باشد که امروزه در دسترس است (۱۵). کلینی حدود بیست سال از عمر شریف خود را برای جمع‌آوری و نگارش این کتاب صرف کرده است (۱۶) و این نشان از اهمیت و ارزش این کتاب دارد. اکنون به اختصار، نکاتی درباره این کتاب را به استحضار رسانده می‌شود:

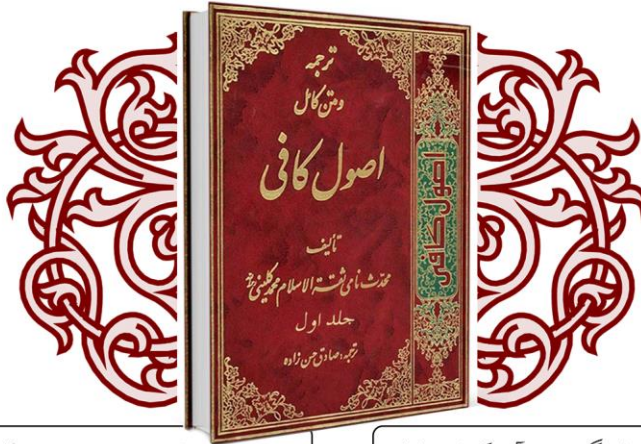
۱. کتاب «کافی» از جمله کتاب‌های چهارگانه بوده که از بیشترین اعتبار در میان منابع حدیثی شیعی برخوردارند و شاید کافی از دیگر کتب اربعه ارزشمندتر باشد؛ زیرا نگارش آن از دیگر کتب اربعه مقدم بوده و نیز در زمان غیبت صغری نگارش یافته و این دسترسی و کوتاه بودن سلسله سند، اعتماد انسان به این کتاب را بیشتر می‌کند.

محمد بن یعقوب بن إسحاق کلینی رازی (۱) با کنیه ابوجعفر شناخته می‌شد (۲). تاریخ دقیق ولادت او مشخص نیست (۳). با این حال قطعی است که او در نیمه دوم قرن سوم به دنیا آمده است. کلینی در روستای کلین از توابع شهرری به دنیا آمد و به همین جهت به کلینی معروف شد (۴). بنابراین کلینی ایرانی است. پدر او از علمای شهرری بود و در روستای کلین سکونت داشت و در همان‌جا نیز دفن شد (۵). متأسفانه از زندگی این دانشمند بزرگوار و افتخار عالم تشیع، اطلاعات زیادی در دسترس نیست و به همین دلیل نقاط مبهمی در زندگی ایشان وجود دارد. البته آنچه کلینی را به ملت اسلامی در طول قرن‌ها معرفی کرد، کتاب «کافی» است و این کتاب، کافی است تا برجستگی علمی او را به ما بشناساند.

از تاریخ زندگی او می‌توان استفاده کرد که او دوران غیبت صغرا را درک کرده و با نواب خاص امام زمان (عج) هم عصر بوده است، حتی برخی معتقدند که ایشان کتاب کافی را بر امام زمان عرضه داشته است (۶). کلینی در شهر خود، بزرگ علمای آن‌جا بوده (۷). همچنین از اجازه‌های مختلفی که در نقل حدیث از افراد مختلف داشته و با توجه به مشایخ او، می‌توان حدس زد که به شهرهای مختلفی سفر کرده است. در نهایت او برای طلب علم به بغداد که به نوعی مرکز علمی آن روز در جهان اسلام بود، هجرت کرده است (۸).

## کلینی در کلام بزرگان

کلینی از جمله افرادی بود که بزرگان بسیاری، زبان در مدح او گشودند و قطعاً این تأییدها، ما را در شناخت بهتر کلینی کمک خواهد کرد. در این جا تعداد محدود و مختصری را نقل می‌کنیم. نجاشی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رجال‌های شیعه در مورد کلینی می‌گوید: «کلینی، مورد اعتمادترین و دقیق‌ترین شخص در نگارش حدیث بود (۹)». شبیه همین گفتار از رجالیون دیگر نیز نقل شده است (۱۰). شیخ طوسی نیز کلینی را ثقة و آشنای با اخبار معرفی می‌کند (۱۱). سید بن طاووس از کلینی به عنوان فردی نام می‌برد که همگان بر ثقة و امانت‌دار بودنش در حدیث



۲. از مقدمه کلینی بر کافی این گونه برمی آید که او خواهان نگارش کتابی بوده که شامل همه بخش های علم دین باشد تا مرجعی برای ره جویان گردد و هر که طالب علم دین و عمل به آن است، بتواند از آن استفاده کند (۱۷).

۳. چینش این کتاب، به خصوص در آن زمان، به صورت باب-باب و در اصول و فروع، امری در خور توجه است و این کتاب را بر بسیاری از کتاب های متأخر نیز برتری داده است و البته نشان از زحمات بسیار مؤلف دارد و کمک شایانی به مراجعه کنندگان آن کتاب می کند.

۴. در این کتاب؛ سند روایات ذکر شده است. و عبارت «عدة من اصحابنا» و یا «جماعة من اصحابنا»، اشاره به افرادی مشخص دارد که از مشایخ ایشان می باشند. فیض کاشانی در این مورد می گوید: «کلینی خود را ملزم کرده بود که در همه روایات - جز موارد نادر- سلسله سند میان خود و معصوم را ذکر کند» (۱۸). البته این به معنای تأیید همه احادیث این کتاب نیست بلکه احادیث ضعیف و غیر قابل استناد نیز در میان احادیث آن وجود دارد و این منافاتی با ارزش این کتاب و نوبسته آن ندارد؛ لذا می بینیم علامه مجلسی با تعریفی شایانی که از ایشان می کند در کتاب «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول» برخی از احادیث کافی را ضعیف، مرسل و... می خواند.

#### وفات کلینی

کلینی در سال ۳۲۸ق (۱۹) و بنا بر قول دیگری ۳۲۹ق در بغداد از دنیا رفت و در همان شهر در کنار باب الکوفه به خاک سپرده شد (۲۰).

منابع:

۱- امین، سید محسن، أعيان الشيعة، ج ۱۰، ص ۹۹، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.

- ۲- شیخ طوسی، الفهرست، محقق، مصحح، آل بحر العلوم، سید محمد صادق، ص ۳۹۵، نجف، المکتبة المرتضوية، چاپ اول، بی تا.
- ۳- حسینی جلالی، سید محمد حسین، فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۷۲، قم، دلیل ما، ۱۴۲۲ق.
- ۴- أعيان الشيعة، ج ۱۰، ص ۹۹.
- ۵- همان.
- ۶- برای اطلاعات بیشتر ر.ک: ۲۷۸۵ عرضه کتاب کافی بر امام زمان (عج).
- ۷- سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۴۷۸، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۸ق.
- ۸- أعيان الشيعة، ج ۱۰، ص ۹۹.
- ۹- نجاشی، احمد بن علی، فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال نجاشی)، ص ۳۷۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
- ۱۰- ر.ک: علامه حلی، خلاصة الاقوال، ص ۱۴۵، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق؛ ابن داود حلی، کتاب الرجال، ص ۳۴۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- ۱۱- الفهرست، ص ۳۹۵.
- ۱۲- ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجبة لثمره المهجبة، محقق، مصحح، حسون، محمد، ص ۲۱۹، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
- ۱۳- ابن اثیر جزیری، مبارک بن محمد، جامع الأصول فی أحداث الرسول، ج ۱۲، ص ۸۹۵، مکتبة الحلواتی، مطبعة الملاح، مکتبة دار البیان، دار الفکر، چاپ اول، بی تا.
- ۱۴- موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۴۷۹.
- ۱۵- برای اطلاعات بیشتر ر.ک: ۱۵۲۸ احادیث کتاب شریف کافی.
- ۱۶- رجال ابن داود، ص ۳۴۱.
- ۱۷- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۸، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- ۱۸- فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، ج ۱، ص ۳۱، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- ۱۹- الفهرست، ص ۳۹۵.
- ۲۰- رجال النجاشی، ص ۳۷۷.

## آدمی باید در غذایش به دقت بنگرد

علی اکبر حق ویسی

رئیس گروه بهبود تغذیه جامعه معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی آستان قدس  
ahaghveysi@gmail.com

ابوالفضل محمدکریمی

کارشناس تغذیه مرکز خدمات جامع سلامت شاهد مرکز بهداشت شهرستان قم



«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»  
پس انسان باید به خوراک خود بنگرد.  
(سوره مبارکه عبس، آیه شریفه ۲۴)

آیه است؛ چون طعام دو قسم است: یکی طعام بدن و دیگری طعام روح و اگر چه مصداق بودن نان برای طعام محسوس تر است، ولی مصداق بودن علم که غذای روح است، برای طعام دقیق تر است و اگر کسی اهل دقت باشد، می تواند طعام بودن علم را از این آیه برداشت کند. حاصل آن که شمول آیه مزبور نسبت به علم که مصداق معنوی طعام است، برای آن است که در مفهوم طعام، آن معنای جامع و فراگیر که هم قابل انطباق بر مصداق حسی و هم قابل انطباق بر مصداق معنوی باشد، ملحوظ شده است؛ بنابراین، بعد از تحلیل معنای حدیث معلوم می شود که مفاد آن توجه به مفهوم جامع است (۵).

اولین واژه که در این آیه خودنمایی می کند، واژه «نظر» است. نظر به معنی تأمل و تفکر در چیزی آمده است که قدری توسعه یافته تر از واژه «را» به معنی نگاه کردن است (۶). همچنین در تفسیر این واژه آمده که «اصل واحد در این ماده (نظر)، دیدن همراه با تعمق و تحقیق است در یک امر مادی یا معنوی، که با چشم سر یا چشم دل است» (۷). هم چنان که تفکر و تعقل کردن در طعام فایده اعتقادی دارد و با اندیشیدن در طرز تهیه غذا از فرو ریختن باران و شکافته شدن زمین می توان حکمت و قدرت آفریدگار را شناخت و معرفت الله حاصل نمود. همچنین از این تدبیر و تأمل می توان فواید اخلاقی و اجتماعی حاصل کرد؛ یعنی باید به طعام نظر کرد که از راه حرام و ستم فراهم نشده باشد؛ باید با اندیشیدن به طعام به فکر بیچارگان و مستمندان و محرومان بود، باید با نظر کردن در طعام ملتفت بود که ابر و یاد و مه و خورشید و زمین و همه عوامل طبیعت در تهیه آن کار کرده اند پس سزاوار نیست انسان بی کار و بی ثمر و غافل بوده، سپاسگزاری خالق و منعم ننموده، خدمتی به خلق خدا نکند و نیرویی را که از غذا می گیرد، نداند که در چه راه صرف نماید (۸).

واژه بعدی، «انسان» است که در توصیف آن نوشته اند «اصل واحد در این ماده، نزدیکی همراه با ظهور به نشان مانوس شدن، در مقابل بیگانگی و وحشت و دوری است» و این معنا در همه صیغه هایی که از آن مشتق می شود، محفوظ است. اصل کلمه

قرآن کریم کتاب هدایت بوده و این هدایت، به وسیله توصیه ها و رهنمودهایی در آیات آن نمود پیدا می کند، یکی از این رهنمودها مسئله نگاه است که در آیات متعدد و به طرق مختلفی درباره آن بحث شده است. آیه ۲۴ سوره عبس «فلینظر الانسان الی طعامه» یکی از این آیات می باشد که در آن، مسئله نگاه به طعام مطرح شده است (۱). قرآن، نظر و مطالعه انسان را پیرامون طعامی که می خورد، لازم می داند. هر چند که نعمت طعام، یکی از میلیون ها نعمتی است که تدبیر ربوبی، آنها را برای رفع حوائج بشر در زندگی اش فراهم کرده است. اگر انسان در همین یک نعمت مطالعه کند، سعه تدبیر ربوبی را مشاهده خواهد کرد؛ تدبیری که عقلش را متحیر و مبهور خواهد نمود (۲).

روشن است که منظور از «نگاه کردن» تماشای ظاهری نیست، بلکه نگاه به معنی دقت و اندیشه در ساختمان این مواد غذایی، و اجزاء حیات بخش آن، و تاثیرات شگرفی که در وجود انسان دارد، و سپس اندیشه در خالق آنها است و این که بعضی احتمال داده اند که مراد نگاه ظاهری است -نگاهی که باعث تحریک غده های بزاقی دهان می شود، در نتیجه به هضم غذا کمک می کند- بسیار بعید به نظر می رسد؛ زیرا آیه به قرینه آیات قبل و بعد، اصلاً در مقام بیان این گونه مسائل نیست. اما بعضی از دانشمندان غذاشناس که قرآن را تنها از زاویه محدود مسائل شخصی خود می نگرند، طبیعی است چنین پنداری درباره آیه فوق داشته باشند.

بعضی نیز معتقدند که منظور از نگاه کردن به مواد غذایی این است که انسان هنگامی که بر سر سفره می نشیند، دقیقاً بنگرد که آنها را از چه راهی تهیه کرده؟ حلال یا حرام؟ مشروع یا نامشروع؟ و به این ترتیب جنبه های اخلاقی و تشریحی را مورد توجه قرار دهد (۳).

از امام محمدباقر علیه السلام روایت شده است: «طعام در این آیه همان علمی است که انسان می آموزد و باید توجه کند که آن را از چه کسی فرا می گیرد» (۴) این بیان لطیف، معنا و تفسیر باطن

اهمیت دقت در  
حلیت و حرمت طعام  
به قدری است که عدم توجه به آن  
می‌تواند به عصیان پروردگار منجر شود.

بهره‌برداری از آن با آسایش نفسانی و با سپاسگزاری و امتنان بالا رفته، و در این هنگام تنها بدن از خوراک تغذیه نمی‌کند، بلکه روح و جان نیز چنین می‌کند (۱۶).  
آری؛ «آدمی باید در غذایش به دقت بنگرد» و چه پر معنی است همین یک جمله کوتاه.

منابع:

- ۱- میرجهان‌شاهی، سیدمحمد رضا؛ خاکپور، حسین، ۱۳۹۴، بررسی مراد از نگاه در آیه ۲۴ سوره عبس فلینظر الانسان الی طعامه، همایش سراسری علمی پژوهشی شناخت اخلاق و آداب حسینی، شهرستان تایباد، شورای فرهنگی عمومی و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی،  
<https://www.civilica.com/Paper-ANDISHEH01056.html>
- ۲- طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲۰، صفحه ۲۰۸.
- ۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۴۴-۱۴۶.
- ۴- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی ۲/ ۶۳، کتاب فضل العلم، باب النوادر، حدیث ۸.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳ق)، الف. تسنیم قرآن کریم، قم: اسراء، ۱۳۸۳، ص ۴۲۲.
- ۶- یوسفی، مهدی؛ شریفان، هدی؛ اهمیت و جایگاه طعام از منظر قرآن کریم، دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت، دوره اول، شماره اول، بهار ۹۳، صفحه ۲۴-۲۸.
- ۷- مصطفوی، حسن؛ تحقیق در واژه های قرآن، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، شماره اول، ۱۳۸۶، صفحه ۱۸۴.
- ۸- شریعی، محمد تقی. تفسیر نوین، نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، صفحه ۵۸.
- ۹- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات، ۱۳۷۷، شماره ۵، صفحه ۲۱۴.
- ۱۰- فیض کاشانی، ملا حسن، تفسیر صافی، بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات، چاپ دوم، شماره پنجم، ۱۳۶۰، صفحه ۲۸۶.
- ۱۱- حسینی همدانی، سیدمحمد مهدی، چراغ روشن در تفسیر قرآن، قم: نشر حوزه علمیه، شماره ۱۷، ۱۳۶۲.
- ۱۲- مدرسی، سیدمحمد تقی، من هدی القرآن، نشر: مکتب علامه مدرسی، چاپ اول، شماره ۶، ۱۳۶۸، صفحه ۳۲۱.
- ۱۳- علمایی، نسیم؛ لطفی، مهدی. حوزه مفهومی رویت در قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۰۱-۸۵.
- ۱۴- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات، چاپ اول، شماره ۳۰، ۱۳۶۴، صفحه ۱۲۷.
- ۱۵- پاک نژاد، رضا، اولین دانشگاه و اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، یزد: نشر بنیاد فرهنگی دکتر پاک نژاد، چاپ اول، شماره ۳، ۱۳۶۳، صفحه ۱۸.
- ۱۶- مکارم الاخلاق ص ۱۴۲، نقل شده در مستدرک وسائل الشیعه ج ۳، ص ۹۳.

انسان، انس بوده که اسم جنس است و الف و نون به آن اضافه شده که دلالت بر ظاهر شدن می‌کند (۶). واژه «طعام» واژه‌ای است که برخی از لغویون آن را معادل گندم دانسته‌اند (۶). از فتوای کلام مفسرین چنین برمی‌آید که در استفاده از واژه «نظر» غرضی در کار بوده و آن، تأکید بر تأمل و تفکر است که این تأمل علاوه بر جنبه‌های مادی، ابعاد معنایی و معنوی را نیز در بر خواهد گرفت و به کارگیری واژه انسان، هم بر وجه ممیزه او بر سایر مخلوقات، که همانا قوه مفکره اوست، صحه می‌گذارد (۶).  
طعام از ضروری‌ترین لوازم بقای انسان است. شاید شناخت خوراک جسم و تن کار چندان دشواری نباشد و حتی بسیاری از حیوانات و جانوران، حسب فطرت به دنبال غذای متناسب با جسم خود بروند، اما آن چه که در مورد انسان اهمیت دارد، خوراک روح و جان و روان اوست (۶). برخی از مفسرین با تکیه بر بعضی از روایات، منظور اصلی از طعام را غذای روح دانسته و طعام روح را مقدم بر طعام جسم می‌دانند (۹ و ۱۰). برخی دیگر از مفسرین نیز تأمل و تفکر در طعام را تأکیدی بر بیان توحید افعالی دانسته و معتقدند انسان باید از خودش بپرسد که چه کسی این طعام را برایش مهیا ساخته، چگونه این طعام در بدن تجزیه و تحلیل شده و چگونه حیات را تداوم خواهد بخشید (۱۱).  
مفسرین دیگری معتقدند آیه بر حلال و حرام، و تدبیر در نحوه تحصیل طعام نیز اشاراتی دارد؛ زیرا هنگامی که انسان با دیدی ژرف به طعام می‌نگرد، می‌داند که هر طعامی برای هر زمانی شایسته نیست. پس ناگزیر است میان مضر و مفید، نیک و بد، حلال و حرام تمایز قائل شود؛ لذا جز از آن چه او را سود می‌رساند و حلال است و به قدر بهره‌مندی جسمش، تناول نمی‌کند (۱۲).  
پس به طور خلاصه و بر اساس آیه شریفه ۲۴ سوره مبارکه عبس، می‌توان بیان داشت رویت در قرآن هم رویت ظاهری محسوب می‌شود و هم رویت تأملی و تعقلی. یکی از راه‌های شناخت و معرفت به خداوند متعال، مشاهده آیات و نگاه کردن به نعمت‌های الهی و محیط پیرامون و جهان هستی است (۱۳).  
همچنین اهمیت دقت در حلیت و حرمت طعام به قدری است که عدم توجه به آن می‌تواند منجر به عصیان پروردگار شود (۱۴)؛ تغذیه کودک با غذای حرام و نجس در اخلاق، صفات، سعادت و شقاوت او تاثیر گذار است (۱۵). پس اگر به غذا با چنین دیدی نگاه شود، از درجه بلعیدن خوراک با اشتباهی حیوانی به درجه



## واژه سلامت در احادیث و ادعیه

مرتضی حیدری

معاون دانشکده سلامت و دین

mortezaheidari.mh@gmail.com

در شماره پیشین، برخی از احادیث شریف وارد شده از معصومین (علیهم السلام) در زمینه عاقبت، ذکر گردید و اشاره شد که درک صحیح این مفاهیم، مستلزم بررسی‌های جامع و دقیق است تا برداشتی نزدیک به واقع، از سلامت و ابعاد آن در گنجینه معارف اسلام حاصل شود. در این شماره نیز، به بیان تعدادی از روایات حاوی لفظ سلامت می‌پردازیم.

واژه سلامت اگرچه در قرآن کریم نیامده است، اما مشتقات آن مانند «سلام»، به دفعات تکرار شده که بر اساس تفاسیر و کتب لغت، دلالت بر همین مفهوم سلامت و البته با نگاهی جامع و فراگیر دارد. مروراجمالی تعابیر حاوی لفظ یادشده در قرآن کریم، به این معنی اشاره دارند که غایت انسان، ورود به «دارالسلام» از معبر «سبیل السلام» است که زندگی سرشار از سلامت و عاری از هرگونه علت و نقص و ناتوانی را تنها در بهشت، میسور و مقدور می‌داند. لفظ سلام در سایر آیات نیز نه صرفاً واژه‌ای برای آغاز کلام بلکه داعی برای سلامت مخاطب دانسته شده است، مانند این تعبیر در ذیل سلام علی (پرواهیم) (۱۰۹/۳۷)، که واژه سلام را (دعاً له بالسلامة فی بندة و قلبه و ایمانه) دانسته است. (مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن). به نظر می‌رسد در متون روایی و ادعیه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نیز، واژه سلامت اگرچه در معنای جسمانی نیز مورد استفاده قرار گرفته، لکن بیش از آن، به ابعاد فرامادی انسان توجه دارد. سلامت قلب، سلامت صدر، سلامت نفس و سلامت دین و ایمان و همچنین ذکر عوامل سلامت مانند تمسک به قرآن کریم و ذکر خداوند، از جمله شواهد این مدعا می‌باشد. به علاوه، واژگان مقارن سلامت در احادیث نیز، بیش از آن که بر تندرستی و سلامت جسمانی تأکید کنند، ابعاد فراجسمانی را مورد تأکید قرار می‌دهند. در این نوشتار نیز به دنبال ارائه تفسیری از واژه سلامت نیستیم و تنها شواهدی از روایات و ادعیه را ارائه می‌کنیم و همچنان، باور داریم که دستیابی به لایه‌های معنایی این تعابیر در گنجینه روایات اهل بیت (علیهم السلام) صرفاً از طریق پژوهش مبتنی بر علم و اجتهاد و نگاهی جامع به این تراث ارزشمند ممکن خواهد بود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ .... (دعای ۵ صحیفه سجاده)

واژه سلامت اگرچه در معنای جسمانی نیز مورد استفاده قرار گرفته، لکن بیش از آن، به ابعاد فرامادی انسان توجه دارد. سلامت قلب، سلامت صدر، سلامت نفس و سلامت دین و ایمان، از جمله شواهد این مدعا می‌باشند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصُّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... (دعای ۲۲ صحیفه سجاده)

فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ، تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ. (دعای ۳۱ صحیفه سجاده)

وَاجْعَلْ الْقُرْآنَ... سُلْمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ (دعای ۴۲ صحیفه سجاده)

وَ سَلَامَةٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ... هَلَالٌ آمِنٌ وَ إِيْمَانٌ وَ نِعْمَةٌ وَ إِحْسَانٌ وَ سَلَامَةٌ وَ إِسْلَامٌ (دعای ۴۱ صحیفه سجاده)

حسن الظن أصله من حسن إيمان المرء و سلامة صدره (امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعه)

أَسْأَلُكَ... أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ... السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي... (تعقیبات مشترک نماز - مفاتیح الجنان)

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ (مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز ظهر)

طَلَبْتُ الْقُدْرَ وَ الْمَنْزِلَةَ فَمَا وَجِدْتُ إِلَّا بِالْعِلْمِ... وَ طَلَبْتُ السَّلَامَةَ فَمَا وَجِدْتُ إِلَّا بِطَاعَةِ اللَّهِ أَطِيعُوا اللَّهَ أَطِيعُوا اللَّهَ تَسْلَمُوا (امیرالمؤمنین (علیه السلام) جامع الأخبار)

رَاحَةُ الْإِنْسَانِ فِي حُبْسِ اللِّسَانِ سَكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةُ الْإِنْسَانِ (رسول الله (صلى الله عليه وآله) جامع الأخبار)

سَلَامَةٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ هَلَالٌ سَعْدٌ لَا نَحْسَ فِيهِ وَ يُمْنٌ لَا نَكْدَ فِيهِ وَ يُسْرٌ لَا يَمَازُجُهُ عُسْرٌ وَ خَيْرٌ لَا يَشُوْبُهُ شَرٌّ (امام سجاد (علیه السلام))

امام صادق (علیه السلام) انابه به خدای متعال و ذکر مرگ را موجب سلامت نفس و سبب اخلاص در طاعت و بندگی دانسته‌اند (مصباح الشریعه، ص ۲۳). آن حضرت در حدیث دیگری، پایین‌ترین مقامی را که فرد مخلص بدان دست می‌یابد، «سلامت» از تمامی گناهان در دنیا و نجات از آتش و رسیدن به بهشت در آخرت بیان می‌کنند (مصباح الشریعه، ص ۳۷) و در جای دیگر، به سلامت دین اشاره می‌کند و زکات اعضای بدن را کوشش در راه هر آنچه صلاح قلب و سلامت دین را در پی دارد، بیان می‌کند (مصباح الشریعه ص ۵۲). امام صادق (علیه السلام) سلامت را از جانب خداوند متعال دانسته و به کسانی که جوایب سلامت هستند، توصیه می‌کند آن را با ذکر خالق و نه مخلوق، دنبال نمایند (مصباح الشریعه، ص ۲۰۵).

با عنایت به موارد فوق، به نظر می‌رسد لفظ سلامت در لسان روایات، اگرچه به سلامت جسم و بدن نیز اشاره دارد، اما عمدتاً در معنایی غیر از سلامت جسم، به کار رفته است. به تعبیر دیگر، سلامت از منظر احادیث و ادعیه، افقی فراتر از جسم و ماده را مورد توجه قرار می‌دهد.





فقه سلامت

## هیپنوتیزم درمانی در آینه فقه

محمد مهروی لیقوان  
کارشناس مسئول آموزش دانشکده سلامت و دین  
mmehrlighvan@gmail.com

فراوان می توانستند به حالت خلسه رفته و کارهای خارق العاده انجام دهند. همین طور در یونان و مصر نیز در معابد خاصی با عنوان معابد خواب ساحران قادر بودند افراد را در حالت خواب قرار دهند و سپس کارهای خاصی روی آن ها انجام دهند (۲). هیپنوتیزم درمانی، از زمان انتوان مسمر در سال ۱۷۷۴ کشف شد. هیپنوتیزم هم جنبه درمان گری جسمی دارد و هم درمان گری روانی. البته در روش درمان گری روانی کاربرد بیشتری دارد. در درمان بیماری های جسمی زمانی می تواند کاربرد داشته باشد که ریشه روانی داشته باشد. انسان مجموعه ای از جسم و روح است. تا زمانی که بین آن دو توازن برقرار باشد، مشکلی برای انسان پیش نمی آید؛ اما هنگامی که این توازن به هم بخورد، نیروی متضاد در وجود انسان ایجاد می شود که تقابل آن با نیروی بیرونی موجب بروز بیماری های جسمی یا آشفتگی و اضطراب روحی خواهد شد. بیماری های روحی بر خلاف بیماری های جسمی قابل مشاهده نیستند (۲).

جنبه درمان گری هیپنوتیزم به موارد گفته شده، محدود نمی شود، بلکه می تواند هر بیماری را که ریشه عصبی داشته باشد تا حدود زیادی درمان کند. حتی برخی بیماری های جسمی فاقد منشأ را نیز درمان می کند. هیپنوتیزم حتی در کم کردن درد زایمان مؤثر بوده و در درمان اعتیاد به الکل، دردهای عضلانی، زکام و... نیز می تواند مفید باشد (۶).

**فتاوی مراجع تقلید در خصوص هیپنوتیزم**  
حضرت امام خمینی رحمته الله علیه:

سؤال: آیا هیپنوتیزم جایز است؟

پاسخ: بسمه تعالی، به خواب بردن کسی، با تصرف در افکار و ذهنیات آن جایز نیست؛ بلی در صورت ضرورت و انحصار علاج به آن مانع ندارد (۳).

هیپنوتیزم یا خواب واره یک پدیده ی پیچیده روحی روانی است که می توان آن را حالت افزایش تمرکز موضعی، حساسیت و پذیرش تلقینات در فردی دیگر تعریف کرد. بعبارتی هیپنوتیزم حالت خاصی از ذهن است که با فوق تمرکز همراه بوده و این قدرت و قابلیت را دارد که بتوان از طریق آن، برخی از عادات یا الگوهای رفتاری را به صورت شرطی شدن روی سیستم عصبی فرد حک کرد (۱). هیپنوتیزم، در اصل یک واژه یونانی است و علمای گذشته، هیپنوتیزم را پدیده ای ماوراء الطبیعه می دانستند؛ در حالی که هیپنوتیزم فقط خواب یا بیداری نیست و اغماء یا پدیده ای ماوراء الطبیعه نیز نمی باشد. هیپنوتیزم ترکیبی از بهترین ویژگی های خواب و بیداری است؛ فی الواقع در حالی که بدن در حالت آسودگی خاطر قرار دارد، ذهن انسان هوشیار است و می تواند پیام ها را به اندام های عضلانی مرتبط، منتقل کند. همچنین هیپنوتیزم تنها زمانی رخ می دهد که آمادگی احساسی یا عاطفی نیز در فرد هیپنوتیزم شونده وجود داشته باشد.

آنچه مهم است، این که شخص هیپنوتیزم شونده خود به صورت طبیعی به خواب نمی رود، بلکه یک نوع خواب القائی است که توسط هیپنوتیزم شونده پذیرفته می شود و با پاسخ به تلقینات، در یک حالت خلسه فرو می رود. در علم طب نیز استفاده های فراوانی از هیپنوتیزم می شود. هیپنوتیزم بر اساس عامل هیپنوتیزم به دو نوع خود هیپنوتیزم و دگر هیپنوتیزم تقسیم شده و می تواند از راه نزدیک و دور اعمال گردد.

ایرانیان، یونانیان، آشوری ها، کلدانی ها، بابلی ها، عبری ها، چینی ها، رومیان، هندیان نیز از فن هیپنوتیزم استفاده کرده اند. برای مثال، در ایران قبایل مغ می توانستند با تحمل سختی ها خود را به مرحله ای از خلسه برسانند و در آن حالت به درمان برخی بیماری های خود اقدام کنند. در هند نیز مرتاضان هندی با تحمل ریاضت های



### حضرت آیت الله خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه:

سؤال: آیا هیپنوتیزم جایز است؟

پاسخ: اگر به منظور غرض عقلانی و بارضایت کسی که می‌خواهد هیپنوتیزم شود صورت بگیرد و همراه با کار حرامی هم نباشد، اشکال ندارد.

سؤال: عده‌ای نه به قصد درمان بلکه به منظور نشان دادن قدرت روحی انسان مبادرت به هیپنوتیزم می‌کنند، آیا این عمل جایز است؟ آیا افرادی که در این زمینه صاحب تجربه هستند ولی متخصص آن نیستند، جایز است اقدام به این کار کنند؟

پاسخ: بطور کلی یادگیری هیپنوتیزم و استفاده از آن به غرض عقلانی حلال و قابل ملاحظه اشکال ندارد به شرط این که با رضایت و موافقت کسی باشد که می‌خواهد به خواب مصنوعی برود و ضرر متناهی هم برای او نداشته باشد (۴).

### حضرت آیت الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه:

سؤال: آیا هیپنوتیزم از نظر اسلام جایز است؟

پاسخ: استفاده از روش‌های درمانی غیر متعارف مانند هیپنوتیزم و نظایر آن اگر اطمینان به تأثیر آن‌ها باشد و یا برای مریض ضرری نداشته باشد، اشکال ندارد (۵).

### حضرت آیت الله گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه:

سؤال: علم هیپنوتیزم در صورت معالجه بیماران و برای نمایش و هنرمندی و غیره در اسلام چه حکمی دارد؟

پاسخ: حرام است و برای معالجه در صورتی که طریق معالجه منحصر به آن باشد و موجب کشف اسرار دیگران نشود اشکال ندارد (۶).

سؤال: ما عده‌ای از دانشجویان رشته روانشناسی هستیم و قسمتی از درس ما بحث هیپنوتیزم است، و با توجه به این که علم روز پیشرفته و تکنولوژی آن بیشتر شده است و در بسیاری از بیماری‌ها و معالجات از هیپنوتیزم استفاده می‌شود، لذا نظر حضرت‌تعالی را در رابطه با فراگیری آن جهت معالجه بیماران مورد نظر جویا هستیم. پاسخ: بسمه تعالی: چنانچه احتمال ضرر نسبت به آن کسی که عمل هیپنوتیزم روی آن انجام می‌گیرد داده شود جایز نیست، و الله العالم (۶).

### حضرت آیت الله تبریزی رحمته‌الله‌علیه:

سؤال: هیپنوتیزم و آموختن آن جایز است؟

پاسخ: بسمه تعالی: چنانچه خوف ضرر بر کسی که این عمل با او

انجام می‌گیرد یا شخصی دیگر داده شود جایز نیست، و الله العالم (۷).

### حضرت آیت الله مکارم شیرازی رحمته‌الله‌علیه:

سؤال: استفاده از هیپنوتیزم در معالجه برخی بیماری‌های روانی و جسمانی، نظیر آسم، چاقی مفرط، بیماری‌های زنان، و مانند آن، توسط یک پزشک (غیر روانپزشک) چه حکمی دارد؟

پاسخ: استفاده از هیپنوتیزم برای مقاصد طبی و مانند آن مشروع است، مشروط بر اینکه تجربه و آگاهی کافی داشته باشد، و آثار منفی و خلاف شرعی بر آن مترتب نگردد. ولی برای کشف امور پنهانی، یا اطلاع از گذشته و آینده و حال جایز نیست (۸).

### حضرت آیت الله سیستانی رحمته‌الله‌علیه:

سؤال: نظر آیت الله در مورد خواب مصنوعی یا هیپنوتیزم چیست؟ خصوصاً چنانچه توسط شخص متخصص جهت درمان بیماری روانی و اعصاب بکار رود. همچنین خواهشمند است بفرمائید استفاده این روش توسط خود شخص برای خودش به منظور درمان و یا پیشرفت چه حکمی دارد؟ پاسخ: مانعی ندارد (۹).

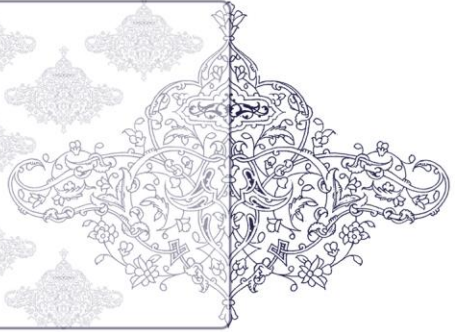
منابع:

- ۱- طاووسی، شعبان. روانشناسی هیپنوتیزم، انتشارات ایران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.
- ۲- علیخواه، محمد مهدی. هیپنوتیزم چیست، انتشارات جمال الحق، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- ۳- خمینی، روح الله. استفتائات امام خمینی، ج ۵ صفحه ۶۱۴.
- ۴- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <http://farsi.khamenei.ir>
- ۵- پایگاه اطلاع‌رسانی آیه الله العظمی فاضل لنکرانی: <http://lankarani.com/persian>
- ۶- قاسمی، محمد علی. دانشنامه فقه پزشکی، مرکز فقهی ائمه اطهار، جلد اول، چاپ اول، سال ۱۳۹۵.
- ۷- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله العظمی تبریزی: [fa.tabrizi.org](http://fa.tabrizi.org)
- ۸- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله العظمی مکارم شیرازی: [www.makarem.ir](http://www.makarem.ir)
- ۹- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله العظمی سیستانی: [www.sistani.org](http://www.sistani.org)



## تزاخم منافع، ترجیح کدام؟!

محسن رضایی آدریانی  
 متخصص اخلاق پزشکی، استادیار، مدیر گروه فلسفه و اخلاق سلامت،  
 دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم  
 mrezaei@muq.ac.ir



بحث را با سخن خداوند متعال، آغاز می کنیم. خدای تبارک و تعالی در سوره مبارکه ای مجادله می فرماید:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

سوره مبارکه مجادله، آیه کریمه ۲۲

«هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می مانند، خدا از آنها خوشود است، و آنان نیز از خدا خوشوندند. آنها «حزب الله» اند بدانید «حزب الله» پیروان و رستگارانند.»

کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، با دشمنان خداوند و رسولش، طرح دوستی نمی ریزند. در اخلاق سلامت یک تعبیری تحت عنوان «تزاخم منافع» (conflict of interest) در برخی نوشته ها، تحت عنوان «تعارض منافع» داریم. این آیه کریمه، تعبیر زیبایی دارد که به نظر حقیر، می توان آن را به همین تزاخم منافع ربط داد. می فرماید: کسانی که ایمان به خدا و قیامت دارند، هر کسی که در برابر خدا و رسولش قرار گیرد را به کناری می نهند. اینان در تزاخم منافع نزدیکان خویش با خواست خدا و رسولش، جانب خدا و پیامبرش را می گیرند. ایشان تا حدی در این کار استوار هستند که حتی اگر پدرانشان، فرزندانشان، برادرانشان، خانواده و نزدیکانشان و در یک جمله هر کسی در برابر و در موضع دشمنی با خدا و رسولش قرار گیرد، او را به کناری می نهند. اگر بخواهیم به صورت امروزی بگوییم، دوستان و رفیقانش، گروه شبکه اجتماعی اش، همکلاسی اش و... اگر در موضع دشمنی با خدا و رسول قرار گیرد، جانب خدا و ارزش های دینی را می گیرند و نقطه مقابل ارزش های دینی را رها می کنند.

تعبیر حقیر این است که خداوند متعال، خود معیار اخلاق است. وقتی می گوییم، همدی خوبیها (صفات ثبوتی) در آن «ذات مقدس» به بی نهایت وجود دارد یعنی خداوند متعال، اوج «اخلاق» است. هنگامی که گفته می شود هیچ بدی (صفات سلبی) در «او» نیست، «سبحان الله»، و خداوند از هر عیب و نقص و بدی منزّه است؛ یعنی «او» نهایت اخلاق است. شاید از همین جهت باشد که به ما امر شده است تا: «تخلّقوا باخلاق الله»؛ یعنی تلاش کنیم همه انتخاب های ما در جهت درست و نیک باشد و از بدیها بپرهیزیم. برای این امر، هر کسی و هر چیزی که در تزاخم با آن «خوب مطلق» و آن منتهای «اخلاق» قرار گیرد، باید به کناری نهاده شود.

اخلاق، حوزه ارزش ها و ضدارزش هاست. اخلاق پزشکی و سلامت هم همین گونه است. در موضوع تزاخم منافع، وقتی هر کدام از کارکنان حوزه ی گسترده ی سلامت، اصول و قواعد اخلاقی را در حوزه سلامت رعایت می کند و در این موضوع تزاخم منافع، منافع بیمار را بر منافع فردی - سازمانی خود ترجیح می دهد، مشمول تقدیر این آیه خواهد بود.

اگر بیمار در بیمارستان خصوصی یا خیریه بستری شود، دریافتی پزشک چندین برابر است؛ اما وقتی پزشک معالج، همه تلاش خود را به کار می برد تا بیمار مستضعف در بیمارستان دولتی بستری شود و هزینه بالای بیمارستان خصوصی یا خیریه بر زندگی بیمار تحمیل نشود، مشمول تقدیر این آیه ی کریمه خواهد بود.

وقتی بیمار از نظر مالی ضعیف است و پزشک معالج، هزینه را به او برمی گرداند، نمونه ای از همین افراد نیکو خواهد بود. این آیه کریمه متناسب با جلسه «تزاخم منافع» است.

به ادامه بحث آیه کریمه که توجه کنیم، خواهیم دید که می فرماید چنین کسانی، ایمان در دلشان نگاشته شده و مؤید به روح هستند. مؤید بودن به روح، در قرآن کریم در مورد حضرت مسیح علیه السلام بیان شده است. این افراد، به بهشت با آن توصیفات مخصوص داخل می شوند، خداوند از آنها راضی و آنها هم از خدا راضی هستند. این رضایت دوسویه خیلی ارزشمند است. در انتهای این آیه کریمه، چنین کسانی را «حزب الله» معرفی می کند و می فرماید افراد حزب اللهی رستگار هستند. امیدواریم خداوند متعال، ما را در زمره حزب اللهی ها قرار دهد.





### اخلاق سلامت

## تحلیل اخلاقی موارد

محسن رضایی آدریانی

متخصص اخلاق پزشکی، استادیار، مدیر گروه فلسفه و اخلاق سلامت،  
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم

mrezaie@muq.ac.ir

در رویکرد چهار اصل اخلاقی پیشنهادی بیشامپ و چیلدرس، اصول «سودرسانی» و «ضرررسانی» دیده می‌شود. با وجود اینکه مصادیق سود و ضرر در اخلاق اسلامی با اخلاق غربی متفاوت است، این دو اصل به طور کلی در اخلاق پزشکی اسلامی هم قابل قبول و جاری است. به نظر می‌رسد، برای سودرساندن به پرسش‌کننده و پیشگیری از ضرر او، اعتراف پزشک عمومی به پاسخ اشتباه خود و تصحیح پاسخ به صورت صریح و روشن و تأکید بر پاسخ درست، واکنش صحیح و اخلاقی به این موضوع است.

در مورد بخش دوم پرسش (پاکی و نجاست و حلال بودن یا نبودن آن)، پاسخ صحیح و اخلاقی ارائه شده است. وقتی کسی متخصص امری نیست و پاسخ پرسشی را نمی‌داند، باز هم به استاد سودرسانی و ضرررسانی، صحیح‌ترین پاسخ، «نمی‌دانم» است. ضمن اینکه پاسخ‌دهنده می‌تواند پرسش‌کننده را برای راه‌پیمایی و دریافت پاسخ صحیح (به مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی)، راهنمایی کند.

با اتاق فرمان فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ تماس گرفته شده و درخواست پاسخ به یک پرسش دارند. مکالمه به پزشک عمومی مستقر ارجاع می‌شود. پرسش این است که یک مارمولک، داخل دیگ غذا افتاده است. از نظر بهداشتی، خوردن آن اشکالی دارد یا خیر؟ غذا همچنان پاک است؟ خوردن آن حلال است؟ پزشک پاسخ می‌دهد که از نظر بهداشتی، منعی برای استفاده از این غذا وجود ندارد. پاکی یا نجاست و حلال یا حرام بودن آن را هم نمی‌دانم. پرستار مستقر در اتاق فرمان که شاهد مکالمه است، به پزشک می‌گوید: «دکتر، باید غذا را دور بریزند. دُم مارمولک، دارای سم سیانور است. خطر مرگ وجود دارد.»

به نظر شما، واکنش صحیح و اخلاقی پزشک عمومی، چه باید باشد؟ پاکی و نجاست و حلیت یا حرمت آن چگونه است؟



## پارادایم‌های علم

صادق یوسفی

مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی قم

syoosefee@muq.ac.ir

yoosefee@gmail.com

معنا دست می‌یابد. ادعای این رویکرد این است که اثبات گرایان در شناخت واقعیت، با شرایط مصنوعی مواجه می‌شوند. در این پارادایم، مطالعه پیرامون انسان، نمی‌تواند مبتنی بر مبنای مدل‌هایی باشد که در علوم فیزیکی، برای شناخت پدیده‌های فیزیکی طراحی می‌شوند. چراکه اصالت شرایط، برای کسب شناخت دقیق از واقعیت حائز اهمیت است. پس همان‌طور که اشاره شد، خلاقیت انسان نقش بسزایی پیدا می‌کند.

## پارادایم انتقادی

این پارادایم کمتر در نشریات علمی مطرح شده است. در این پارادایم، انسان با توانایی‌های پنهان و قدرت خلاقیت خود در ایجاد تغییرات و انطباق با شرایط، میان جبر و اختیار قرار می‌گیرد. طرفداران این رویکرد، به دنبال جلب مزایا و نکات مثبت دو پارادایم اثباتی و تفسیری بوده و تلاش می‌نمایند نکات منفی، آنها را نفی نمایند. به عنوان مثال، ویژگی جزئی‌نگری و باریک‌بینی بیش از حد و غیرانسانی بودن پارادایم اثبات گرای، مورد انتقاد جدی این پارادایم است. نقد وارد به پارادایم تفسیری نیز ذهنی و نسبی بودن آن است. با این حال، در پارادایم انتقادی بحث از فهم تجربیات زیسته، همچون رویکرد تفسیری است؛ ولی بحث ادراک انسان از واقعیت خارج از خود نیز، مطرح است که از طریق زبان ابراز می‌شود و این واقعیت در تعامل بین محقق و مورد مطالعه تعریف می‌شود.

در این روش، محقق به دنبال حل مسائل با مشارکت افراد درگیر با آن است. خروجی این امر می‌تواند در قالب فرایندی از سطح ظاهر واقعیت گذشته و به عمق آن وارد شود. از این روست که پارادایم انتقادی ارزش مدار است و بر خالی از ارزش بودن پارادایم اثباتی حمله می‌کند.

همان‌طور که در ابتدا ذکر شد، در این شماره، صرفاً به‌طور مختصر به پارادایم‌های غالب اشاره شد. بدیهی است، درک بهتر این مفاهیم، مستلزم مراجعه و تعمق در منابع مرتبط است.

همان‌طور که در شماره پیشین اشاره شد، پارادایم یا الگوواره به پیش فرض‌های علم که نقش اساسی در هویت بخشی به یک حوزه از علم را دارند، اطلاق می‌شود. چهار پارادایم مطرح در علوم انسانی عبارتند از: پارادایم اثبات گرای، تفسیری، انتقادی و پست مدرن. خط‌مشی هر پارادایم، در پاسخ به چهار عنصر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش نهفته است. در ادامه، به معرفی مختصر سه پارادایم اول به عنوان پارادایم‌های غالب، می‌پردازیم.

## پارادایم اثبات گرای

این پارادایم می‌کوشد از انسان، مدلی مکانیکی ارائه دهد. بر این اساس، کسب معرفت معتبر را منوط به تجربه می‌داند. این معرفت از طریق نظریاتی که از روش‌های علمی، تولید، ارزیابی و تصدیق می‌شوند، به دست می‌آید. بنابراین، متافیزیک در این پارادایم جایگاهی ندارد.

از ویژگی‌های کلیدی اثبات گرای می‌توان به عدم وابستگی علم به موقعیت محقق، خالی بودن از بار ارزش‌ها، استفاده از منطق استقراء و متکی بودن نظام طبیعت بر روابط علی اشاره کرد. محقق اثبات‌گرا به دنبال داده‌های کمی است و تأکید او بر اندازه‌گیری صحیح و دقیق خصوصیات پدیده مورد مطالعه است. از این رو، او نمی‌تواند بر اساس ذهنیت و موازین منطقی اثبات گرای به تحلیل و توضیح واقعیت پردازد. به عبارت دیگر، این امر پیرو علت‌یابی، تبیین و سپس پیش‌بینی امکان‌پذیر می‌شود. بر اساس این پارادایم، انسان‌ها تحت جبریت متکی بر قوانین علی که دارای خصیصه احتمالی هستند، رفتار می‌نمایند.

## پارادایم تفسیر گرای

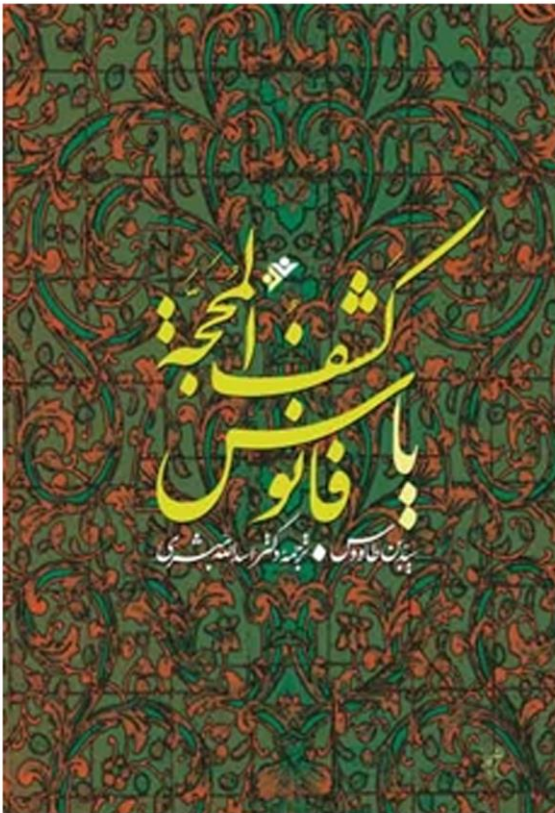
این پارادایم در دهه‌های اخیر وارد عرصه علم شده است. در این رویکرد، واقعیت، درون ذهن و آگاهی انسان قرار می‌گیرد و اصالت انسان و فرهنگ جامعه برجسته است. لذا مشاهده تجربی دقیق و اندازه‌گیری کمی به حاشیه می‌روند. محقق معتقد به پارادایم تفسیری، از طریق تعامل خلاقانه و فعال، به

بر اساس پارادایم تفسیرگرای، مطالعه پیرامون انسان، نمی‌تواند مبتنی بر مبنای مدل‌هایی باشد که در علوم فیزیکی، برای شناخت پدیده‌های فیزیکی طراحی می‌شوند.



معرفی کتاب

## کشف المَحَجَّه یا فانوس



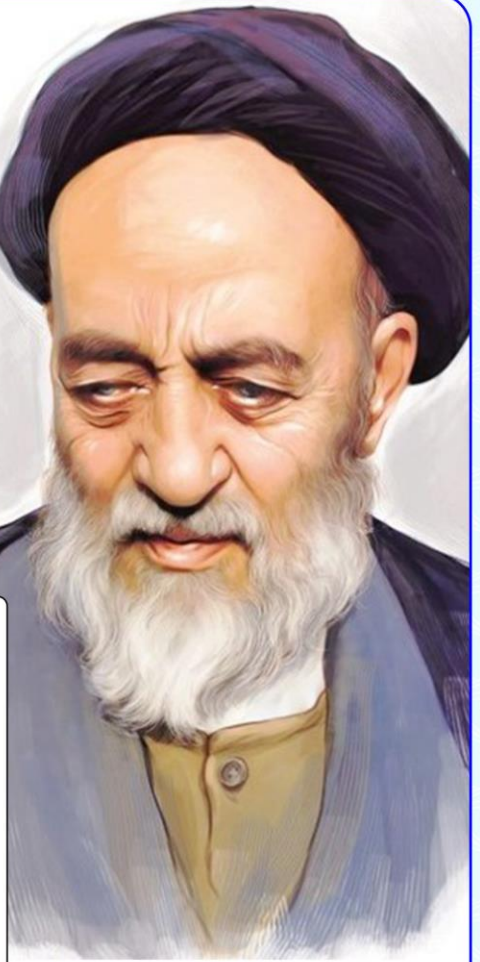
کشف المَحَجَّه یا فانوس عنوان کتابی است از سید بن طاووس که با ترجمه دکتر اسدالله مبشری در سال ۱۳۶۹ توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده و برای نهمین بار در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.

سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس مشهور به سید بن طاووس، (۶۶۴-۵۸۹ق)، از بزرگ ترین عالمان شیعه و نویسنده کتاب های بسیار و استاد بزرگانی همچون علامه حلی است. او به سبب اخلاق نیک و خصلت های اخلاقی بسیار، تقوا و مراقبه فراوان، حالات عرفانی و کراماتش به جمال العارفین معروف و مشهور است.

سید بن طاووس این کتاب را در ۱۵۹ فصل تنظیم نموده و هر بخش شامل شرح و توصیه هایی با مضامین تربیتی و اخلاقی بوده و نویسنده بدین روش، اصول عقاید و فروع دین را به فرزندان خود می آموزد. بیان راه های شناخت خداوند، سفارش به دقت و تأمل در سه کتاب نهج البلاغه، کتاب مفضل بن عمرو و اهلیلجه، فواید علم فقه، معرفی کتب بزرگان و نیز عبادات پنج گانه نماز، زکات، روزه، حج و جهاد، از جمله موضوعاتی است که کتاب به آنها می پردازد.

مترجم در مقدمه کتاب، خطاب به فرزندزاده خود، چنین می گوید: فرزندم، ایزد بی چون را سپاس که در آغاز زندگانی، با کتابی آشنا می شوی که علامه کبیر سید بن طاووس، الگوی فضیلت و تقوی در قرن هفتم هجری، فرزند خود «محمد» را به وصیت نوشته است ...





# بوی درخت کیش

زلال سلامت

## کیش دلدارها

بود کیش من مهر دلدارها  
 پروند زین جرگه هشیارها  
 ندارند کاری دل افکارها  
 نباشد به دست گرفتارها  
 میان دل و کام دیوارها  
 چه حلاج‌ها رفته بر دارها  
 مگر توده‌هایی ز پندارها  
 نیازند هرگز به مردارها  
 بریدند از دام جان تارها  
 چه گل‌های رنگین به جویارها  
 به دامان گلشن ز رگبارها  
 زند بارگه گل به گلزارها  
 در آینه آب رخسارها  
 برقصد به صد ناز گلنارها  
 هزار آورد نغز گفتارها  
 خروشد ز سرو و سمن تارها  
 بکش جام در بزم می‌خوارها  
 که آسان کند باده دشوارها  
 که بسته‌ست چشم خشیارها  
 که آینده‌خوابی‌ست چون پاره‌ها  
 که در پای این گل بود خارها  
 پهل گر بگیرند بیکارها

همی‌گویم و گفته‌ام بارها  
 پرستش به مستی‌ست در کیش مهر  
 به شادی و آسایش و خواب و خور  
 بجز اشک چشم و بجز داغ دل  
 کشیدند در کوی دلدادگان  
 چه فرهادها مرده در کوه‌ها  
 چه دارد جهان جز دل و مهر یار  
 ولی رادمردان و وارستگان  
 مهین مهرورزان که آزاده‌اند  
 به خون خود آغشته و رفته‌اند  
 بهاران که شاباش ریزد سپهر  
 کشد رخت سبزه به هامون و دشت  
 نگارش دهد گلبن جویبار  
 رود شاخ گل دربر نیلوفر  
 دَرَد پرده غنچه را باد بام  
 به آوای نای و به آهنگ چنگ  
 به یاد خم ابروی گلرخان  
 گره را ز راز جهان باز کن  
 جز افسون و افسانه نبود جهان  
 به آندوه آینده خود را میاز  
 فریب جهان را مخور زینهار  
 پیایی بکش جام و سرگرم باش

# بوی درخت کیش

علامه سید محمدحسین طباطبائی



دانش

ماهنامه علمی - اطلاع‌رسانی  
سال اول، شماره هشتم



# کنارتیم هموطن...

جلوهای زیبایی از همدلی  
و کمک‌رسانی به سیل زدگان مناطق مختلف کشور



IRNA 1934

masrehnews